

برنامه عمل زحمتکشان برای رفع بحران کنونی

مبارزه علیه تورم و بیکاری

لغو اسرار معاملاتی و استقرار کنترل کارگری

خلع ید از امپریالیسم و سلب مالکیت از سرمایه‌داران بزرگ

اتحاد کارگران و دهقانان

آزادی ملیت‌های ستمدیده

آزادی زنان

نبرد برای دموکراسی

همبستگی بین‌المللی علیه امپریالیسم

سازماندهی مبارزه

تشکیل مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی

استقرار حکومت کارگران و دهقانان

مقدمه

نزدیک به یک سال پس از قیام پیروزمند بهمن ماه دیگر زمان جمعبندی نتایج قیام و فراگرفتن درسهای آن برای توده مبارز فرا رسیده است. توده‌های مظلوم و زنجیده ایران که انتظار داشتند پس از مبارزه مرگ و زندگی بجای قدرت دربار وحشی، تیسارهای آدمکش، مستشاران امپریالیسم، سرمایه داران استثمارگر و زمینداران مفتخور، قدرت کارگران و دهقانان، قدرت زحمتکشان، قدرت ده‌ها میلیون انسان ستمدیده و تهیدست در کشور ما مستقر گردد، اینک به آنچه می‌گذرد با حیرت و تعجب می‌نگرند. در مقابل چشمان آنها قدرت مجدد سرمایه داران بازسازی می‌شود. ماهیت ضد کارگری و ضد مردمی سیاست‌های رژیم جدید که بر دوش قیام عظیم مردم ستمدیده بقدرت رسید باید از زامی آشکار گشته است که هر عنصر آگاه و مبارزی را وادار به تأمل می‌سازد. چگونه آن جنبش عظیم توده‌ای و آن قیام پرشکوه به اینجا کشیده است، چگونه می‌باید به کج روی‌ها خاتمه داد.

فساد ثروت و ثروتمندان ادامه دارد. بهره‌کشی بی‌امان از کارگران ادامه دارد. برای توده عظیم کارگر و زحمتکش بیگاری، گرانی و تورم سرسام آور، برای روستائیان فقر، فلاکت و بی‌زمینی، برای ملیت‌های ستمدیده ستم ملی و حملات وحشیانه حکومت مرکزی، برای زنان تبعیض و ستم مضاعف، برای همه مردم پایمال شدن ابتدایی‌ترین حقوق سیاسی و اجتماعی، کماکان روبه ازدیاد است.

پاسخ هیات حاکم جدید، از همان ابتدا، دست‌زدن به کلیتاً خواست‌های بحق توده‌ها و حمله به حقوق و آزادیهای بدست آمده از قیام بود: گلوله برای روستائیان، سرکوب خونین برای ملیت‌های ستمدیده، حجاب تحمیلی برای زنان، بیگاری برای کارگران و بازگشت به نظام خفقان‌آرزش شاهنشاهی برای سربازان، برای توده‌های محروم صبر و صبر و برای سرمایه داران و زمینداران مفتخور وام‌های کلان و فراهم کردن شرایط بهره‌کشی.

در این شرایط ، هرچه توده مردم خواستار تحولات اساسی ترو بنیادی ترمی شدند و هرچه بیشتر به سمت مبارزه میل می کردند ، رهبران محافظه کار و حکومت جدید طبقات دارا بیشتر و بیشتر بیست استبداد و خفقان روی می آوردند ؛ در ادامه این سیاست ها مرداد ماه امسال نقطه عطفی بود . هیات حاکم در این ماه بطور آشکار حمله وسیعی را به حقوق زحمتکشان و دستاورد های قیام بهمن ماه سازمان داد : یورش وحشیانه و خونین به کردستان و مبادرت به جنایات بی سابقه و شرم آور علیه خلق کرد ، بسیج وسیع اوباش و چماق بدستان دست راستی علیه زحمتکشان ، حمله شدید به کلیه آزادیهای سیاسی ، آزادی مطبوعات ، آزادی اجتماعات و آزادی فعالیت های سیاسی ، حمله به تمام سازمانهای مستقل کارگری و احزاب سیاسی مترقی ، ممنوع کردن اعتصاب ها ، تحصن ها و هرگونه مبارزه کارگری ، " ضد انقلابی " خواندن هرگونه اقدام توده ها به مبارزه ، حمله به دهقانان برای بیرون راندن آنان از زمین ، مسلح کردن فئودالها و زمینداران بزرگ ، بیرون راندن توده ها از ضحنه تصمیم گیری های سیاسی با جلوگیری از تشکیل مجلس موسسان ، برانداختن مضحکه خبرگان و تدوین قانون اساسی ضد انقلابی ، و عاقبت ، پایمال کردن آخرین بقایای حاکمیت سیاسی مردم با تحمیل اصل ولایت فقیه و ایجاد محیط ترور و خفقان جهت جلوگیری از هرگونه اعتراض به این سیاستهای ارتجاعی .

اینها فقط جوانی از حمله ضد انقلاب به حقوق ستمدیدگان و زحمتکشان هستند . حملاتی که در صورت موفقیت بازگشت استبداد وحشی تری را بدنبال خواهند داشت .

اما ، پس از شکست یورش ضد انقلابی به کردستان ، اینک بحران عمیقی هیات حاکم را فرا گرفته و سردرگمی های آنان دو صد چندان شده است . علی رغم میل حکام جدید مبارزات اجتماعی و سیاسی مستقل از آنان در همه جای پیشرفت می کند . مبارزات کارگران ، بیکاران ، روستائیان ، خلق های ستمدیده ، زنان ، دانش آموزان و دانشجویان همگی نمایانگر این واقعیت اند که انقلاب ایران هنوز به زندگی خود ادامه می دهد . بسیج وسیع اقشار و طبقات توده ستمدیده علیه امپریالیسم امریکا جهش جدیدی به مبارزات انقلابی در ایران داده است .

در مقابل جوش و خروش هایی که هم اکنون از اعماق جامعه برمی خیزد دوایر بالای حکومتی و قشر حاکم را جنجال پشت جنجال و رسوایی پشت رسوایی فرا گرفته است . وزرا یکی پس از دیگری اظهار عجز و ناتوانی کرده استعفا می دهند و تعویض می شوند . دائما خبر از اختلاس های کلان ، دخالت عناصر مشکوک و وابسته به رژیم سابق ، رقابت مخفی جناح های نامعلوم ، قدرت

طلبی عناصر مجهول و اختلافات ناروشن هیأت حاکم می‌رسد. رقابت های پشت پرده رهبران مذهبی علنی شده است بدون آنکه محتوای سیاسی آن ذرفای روشن باشد. در مقابل هم موضع می‌گیرند، آشتی می‌کنند و از یکدیگر پیروز می‌طلبند و هربار عدای بیگانه به خون کشیده می‌شود. رهبران حکومت منتخب امام همکار سازمان سیا از آب درآمد هاند ولی مدافعین آنان هنوز عضو شورای انقلاب هستند.

براستی که چهره واقعی، جبین و دو رویی و خیانتکاری هیأت حاکم سرمایه داری هرگز این چنین آشکار نبوده است. هرچه بیشتر اثبات می‌گردد که زحمتکشان ایران نمی‌توانند و نباید برای تحقق یافتن خواست های خود چشم انتظار چنین حکومتی بنشینند. امروزه بیش از همیشه نیاز به جنبش و مبارزه مستقل کارگران و زحمتکشان احساس می‌شود.

کارگران و زحمتکشان ایران باید خود را از دام راه حیل های فلاکت بار طبقات حاکم رها کنند و برنامه خود برای پایان دادن به بحرانها و مصائب اجتماعی را پیش گذارند. نیازهای مردم محروم جامعه ما می‌تواند و باید بسرعت رفع گردند. تنها ادامه و استحکام حاکمیت سرمایه داران و زمینداران است که برطرف کردن این نیازها را غیر ممکن ساخته است. لکن، برآورده شدن نیازهای فوری و حیاتی کارگران و زحمتکشان، یعنی اکثریت عظیم توده مردم، بر منافع سودجویی های اقلیت قلیل دارا مقدم است.

اگر انقلاب عظیم ما، بجای تحقق دادن به خواست های توده زحمتکش به مسیر دفاع از سرمایه داران و زمینداران افتاد، علتش این بود که توده ها بجای آنکه بر مبارزه و برنامه مستقل خود تکیه کنند و خود مستقیماً در جهت ایجاد حکومتی که مسؤول به آنها و متکی بر سازمانهای مستقل توده ای باشد، مبارزه کنند، حکومت را به کسانی سپردند که در نهایت مدافع طبقات حاکم هستند. تجربه اثبات کرده است که هیچ حکومت از بالا تعیین شده ای به ایران آزادی نخواهد آورد. تنها راه پایان دادن به کجرویها و کشاندن انقلاب به مسیر منافع زحمتکشان، مبارزه مستقل، تشکل مستقل و ارائه برنامه مستقل زحمتکشان برای حل بحران کنونی جامعه است.

در مقابل بی‌لیاقتی و چشم انداز فلاکت بار سرمایه داران و حکومت آنها،
انظار توده ستمدیده اینک بسوی قدرت کارگران و زحمتکشان دوخته می‌شود.
 بسیاری از توده های محروم اینک بسادگی دو راه در مقابل خود می‌بینند:
 سرمایه داری را حفظ کنیم و همه از آن رنج بکشیم و به حالت خفگی دچار شویم،
 یا سرمایه داری را منهدم کنیم و آزاد شویم. و از شر همه بلاها، از کمبود غذا،

مسکن و کار خلاص شده ، رفاه ، شادی و آزادی را بدست آوریم .
 طبقه کارگر باید با عمل سیاسی مستقل و به نمایش گذاشتن اراده و قدرت
 دوران سازش ، ستم‌دیدگان و زحمتکشان جامعه را بسوی راه حل انقلابی
 بحران جامعه رهبری کند . برنامه طبقه حاکم روشن است . هدف این برنامه
 حفظ سرمایه داری و سرکوب کارگران و زحمتکشان است . در مقابل ، طبقه
 کارگر نیز باید برنامه عمل خود را طرح کند و با سازماندهی مبارزهای پیگیر
 بدوران راه را به کلیه ستم‌دیدگان ایران نشان دهد .

مبارزه علیه تورم و بیکاری

مهمترین مشخصه راه حل پیشنهادی سرمایه داران برای رفع بحران
 فعلی ، تشدید تورم و افزایش بیکاری است . این شیوه همیشگی سرمایه داران
 است که تمام بار بحران ها و بی سروسامانی های نظام اقتصادی را که خود
 مسبب آنند ، برگرداند ، مردمان زحمتکش ببندازند . سرمایه داری ورشکستنه
 توده ها را محکوم بزندگی فقیر و فلاکت بار کرده است . امروز بیش از هر زمان
 دیگری خطر بیوستن بخش اعظم کارگران ایران به انبوه گدایان و تهیدستان
 احساس می شود . میلیون ها نفر از مردم فعال کشور بخاطر خرابکاری سرمایه
 داران بیکار شده اند . قیمت ها کماکان در حال افزایش است و کوچکترین اقدام
 اساسی برای مهار کردن آن انجام نمی گیرد .

کارگرانی که با پیروزی قیامشان توقع بهتر کردن وضع خود را داشتند اینک
 باید حتی از لقمه نان خود دفاع کنند . سیاست سرمایه داران کارگران را در لبه
 پرتگاه تلاشی قرار داده است . هرروز بخش بیشتری از آنان به گدایان دایما
 بیکار بدل می شود . میلیونها کارگر ایرانی باید از تقاله و ته مانده غذای جامعه
 در حال سقوط سرمایه داران تغذیه کنند . آنها که هنوز بیکار نشده اند نیز با
 افزایش روز افزون قیمت ها که بتدریج وضعی مهار ناپذیر پیدا کرده ، به خیل
 انبوه گرسنگان و فقرزدگان رانده می شوند . کارگران باید علیه این برنامه
 جنایتکارانه سرمایه داری با تمام قوا مبارزه کنند .

۱- حق کار ابتدایی ترین حق کارگران در جامعه ای است که بر اساس
 استثمار بنا شده است . امروز در هر قدم ، این حق ابتدایی از کارگران
 سلب می شود . باید برای تمام کسانی که نیازمند به کار کردن هستند ، کار بسا

شرایط زندگی سالم فراهم شود .

۲- کارگران مسؤول بحران کنونی جامعه نیستند . اگر نظام سرمایه داری قادر به تامین کار برای کسانی که خواهان کارکردند و تحقق دادن به این حق ابتدایی نیست ، دولت باید زندگی آنان را تامین کند . بجای اعطای وام بینه سرمایه داران خرابکار ، دولت باید به کلیهٔ بیکاران بیمهٔ بیکاری پرداخت کند .

۳- در شرایطی که بیکاری مفرط بر جامعه حکمفرما شده است استثمار - گران حریص ۱۲ ساعت کار روزانه از کارگران می‌کشند و دولت دست نشانده‌شان تعطیل پنجشنبه را لغو می‌کند . ۴۰ ساعت کار در هفته ، دو روز تعطیل در هفته و يك ماه مرخصی با حقوق در سال حداقل خواست کارگران است .

۴- اگر سرمایه داران قادر به نگهداری تمام نیروی کار نیستند ، می‌باید بجای اخراج کارگران کار موجود را بدون کسر کردن حقوق میان آنها تقسیم کنند . کاهش متناسب ساعات کار ، همراه با پرداخت حقوق کامل ، تنها راه اساسی مقابله با بیکاری اجباری است .

۵- سرمایه داران کارخانه‌ها را تعطیل کرده‌اند و خود در بهترین نقاط دنیا به خوشگذرانی مشغولند . تمام کارخانه‌هایی که تعطیل شده‌اند باید فوراً و بدون پرداخت يك دینار غرامت ملی شده تحت کنترل کارگران مجدداً دایر گردند . بجای اینکار که می‌تواند کمک مهمی در رفع بیکاری شود ، دولت دست بدامن سرمایه داران شده است و کوشش می‌کند آنها را به بازگشت به ایران و آغاز به استثمار و خرابکاری دوباره تشویق کند .

۶- تبلیغات سرمایه داران دایر بر اینکه کار نیست ، سراپا دروغ است . کار هست ، کاری که سود بی حساب به جیب مفتخوره‌های سرمایه دار بریزد نیست . هر روز مردم کشور ما به خدمات بیشتر ، مسکن ، پارک ها ، کتابخانه‌ها ، راه‌ها ، بیمارستان ها ، مدارس ، دانشگاه‌ها و مهد های کودک بیشتر احتیاج دارد . دولت باید بلافاصله ، از طریق حذف بودجه‌های عظیم تسلیحاتی ، گرفتن مالیات های تصاعدی از شرکت های بزرگ و بکار انداختن ثروت عظیم نفت ، برنامه وسیع عمرانی و خدمات اجتماعی را بمرحله اجرا بگذارد تا هم قدمی در راه حل نیازهای اکثریت مردم برداشته شود و هم برای همه کار ايجاد گردد .

۷- باید برای تمامی کارگران حداقل دستمزدی که متناسب با مخارج باشد و بتوان با آن زندگی سالمی داشت تعیین گردد . میزان تعیین شده توسط دولت کافی نیست و حتی همان مقدار نیز در همه جا رعایت نمی‌شود . ۳۰۰ ریال در ماه حداقل دستمزد لازم برای تامین يك زندگی ساده است . این مقدار حداقل باید متناسب با افزایش قیمت ها افزایش یابد .

۸- کارگران نمی‌توانند و نباید بار کم‌رشدن استثمار وحشیانه سرمایه داری و فجایع اقتصادی آن نظیر تورم را بدوش بکشند. تبلیغات کسانی که بعنصوان "دلسوزی" به کارگران توصیه می‌کنند افزایش دستمزدها بی‌فایده است زیرا که با افزایش دستمزدها قیمت‌ها نیز افزایش می‌یابند، نه تنها مشکل کارگران را حل نخواهند کرد بلکه اساساً هدفی جز انداختن تقصیر تورم به گردن کارگران ندارند. اگر سرمایه داری نمی‌تواند از تورم جلوگیری کند می‌باید در مقابل افزایش دایمی قیمت‌ها دستمزدها کارگران نیز بطور متناسب افزایش یابد. میزان واقعی افزایش قیمت‌ها باید توسط کمیته‌های منتخب کارگران و با مشارکت خانواده آنها تعیین و برآورد شود.

۹- کارگر و زحمتکش باید از پرداخت مالیات معاف گردد. مالیات غیر مستقیم که از قند و شکر و غذا و مایحتاج زندگی توده وسیع اخذ می‌شود، باید لغو گردد. باید نظام مالیات مستقیم درجه بندی شده‌ای که با افزایش درآمد بصورت تصاعدی افزایش می‌یابد، اعمال گردد. اگر سرمایه داران ناله سر می‌دهند که اینکار انگیزه سرمایه گذاری را از بین می‌برد بگذار سر به تن سرمایه داری باقی نماند!

لغو اسرار معاملاتی و استقرار کنترل کابری

در مقابل خواسته‌های حقانی کارگران و زحمتکشان برای مبارزه با تورم و بیکاری، سخنگویان و مبلغین سرمایه‌داری نغمه سرخواهند داد که اوضاع اقتصادی خراب است و درآمد سرمایه‌داران کفاف مطالبات کارگران را نمی‌دهد. آنها از کارگران گذشت و فداکاری طلب خواهند کرد. پاسخ کارگران و زحمتکشان به سرمایه داران بسیار ساده است: دفترها را باز کنید! آنانکه از زحمتکشان صبر و فداکاری می‌طلبند چرا حساب دخل و خرج خود را فاش نمی‌کنند؟

وضع کارگران و زحمتکشان شهرورده برای همه روشن است: آنان حتی از حداقل درآمد لازم برای زنده ماندن برخوردار نیستند. اما سرمایه داران زمینداران بزرگ، صاحبان انحصارات عظیم و دلان سرمایه خارجی هیچ وقت حساب دخل و خرج خود را فاش نمی‌کنند. این استثمارگران عمده که زندگی اقتصادی جامعه را تحت کنترل خود دارند، اسرار معاملاتی شان را سرخسخته محافظت می‌کنند. حسابهایی که بین یک سرمایه دار و جامعه

نگهداشته می‌شود، همواره بصورت اسرار سرمایه دار باقی می‌ماند. این وضع نمی‌تواند و نباید ادامه پیدا کند:

۱- برای یافتن راه حل مناسب جهت رفع بحران کنونی و رفع مشکلات توده‌های مستدیده، می‌باید بدون درنگ تراز نامه ورشکستگی سرمایه‌دار را اعلام گردد و حساب دخل و خرج تمام طبقات و گروه‌های اجتماعی فاش شود.

باید تمامی دفاتر حساب و کتاب و اسرار معاملاتی این ثروتمندان باز شود تا میزان بی‌حد و حصر چپاول‌ها و دزدی‌هایشان پیش چشم همه آشکار گردد.

۲- اسرار معاملاتی عصر حاضر، بخشی از توطئه دائمی سرمایه‌داران بزرگ علیه منافع جامعه است. تا زمانیکه مالکان خصوصی وسایل اجتماعی تولید بتوانند کلاه برداری‌های خود را از جامعه مخفی نگه‌دارند، طرح‌هایی که اصلاح طلبان و "طرفداران مستضعفین" جهت محدود ساختن خودکامی اربابان اقتصاد ارائه می‌دهند، افسانه‌های مسخره و رقت‌انگیزی بیش نخواهد بود. کارگران و زحمتکشان به اندازه سرمایه‌داران حق دارند که اسرار اقتصاد ملی را بدانند. چرا سرمایه‌دار و سهام‌دار انگل حق دارد که اسرار معاملاتی دستگاهی که او را قریه می‌کند بداند اما کارگران، تولیدکنندگان، استثمارکننده، کسانی که گردانندگان اصلی این دستگاهند، باید خاموش باشند؟

کارگران باید با تمام پیچ و مهره‌های این دستگاه اقتصادی فاسد آشنایی کامل داشته باشند. زیرا، تنها آنها می‌توانند درباره نحوه کارکرد آن قضاوت کنند. کمیته‌های کارگران، دهقانان، کارکنان و کارمندان، به کمک مهندسين، متخصصین و حسابداران صادقی و وفادار به توده زحمتکش، می‌توانند و بایند به اسرار معاملاتی استثمارگران خاتمه دهند. بدین وسیله توده مردم، بجای کنترل اقلیت دارا، بر صنعت، بانک‌ها و تجارت، کنترل جامعه را مستقر خواهند ساخت.

۳- بدون استقرار کنترل کارگری و لغو کلیه اسرار معاملاتی، یعنی بدون رسوخ چشم تیز بین کارگران و زحمتکشان در تمام پیچ و مهره‌های آشکار و نهان اقتصاد سرمایه‌دار، اجرای هرگونه طرح بهبودی اوضاع اقتصادی، حتی ابتدایی‌ترین طرح‌ها غیر ممکن خواهد بود. کمیته‌هایی که نماندگی واحد‌های گوناگون اقتصادی و اداری را برعهده دارند باید کنفرانس‌هایی ترتیب دهند تا با انتخاب و تشکیل کمیته‌های مربوط به سرتاسر اقتصاد ملی، کنترل عمومی کارگران و زحمتکشان ممکن گردد. بدین ترتیب کنترل کارگری به

مکتبی برای اقتصاد برنامه ریزی شده ، اقتصادی که بر اساس نیازهای جامعه بنا شده و نه بر اساس سودجویی اقلیت مفتخور ، تبدیل خواهد شد . کارگران و زحمتکشان جامعه باید خود را برای سازمان دادن مجدد تمام دستگاه تولید و توزیع و مدیریت مستقیم اقتصاد ملی آماده سازند .

۴- در کلیه واحدهای تولیدی می باید حق بازرسی دفاتر شرکت ، حق وتو در موارد اخراج کارگران ، حق سازماندهی کار در محیط کارخانه و حق کنترل بر سرمایه گذاری های جدید در دست کارگران باشد . تنها از این طریق است که استقرار کنترل کارگری معنی پیدا می کند .

خلع ید از امپریالیسم و سلب مالکیت از سرمایه داران بزرگ

تا زمانیکه قدرت اصلی اقتصادی در دست امپریالیسم و سرمایه داران بزرگ باقی بماند ، بهبود عمومی سطح زندگی و موقعیت اکثریت عظیم جامعه غیر ممکن خواهد بود . سلب مالکیت از امپریالیسم و طفیلی ترین و قدرتمندترین بخش های سرمایه داری تنها راه خاتمه دادن به هرج و مرج اقتصادی و فلاکت های آن است . اگر مناصب فرماندهی اقتصادی در دست این انگل ها باقی بماند توده زحمتکش نخواهد توانست حتی یک گام جدی علیه خودکامی انحصار طلبان اقتصادی بردارد .

۱- باید کلیه بانک ها در بانک واحد دولتی ادغام گردد تا نظام متحد الشکلی جهت تامین نیازهای مالی جامعه در امتداد طرحی منطقی و منطبق با منافع اکثریت عظیم مردم بنیاد نهاده شود . سلب مالکیت از بانکداران غارتگر و تمرکز یافتن تمام نظام اعتباری کشور در یک بانک واحد ملی ، دولت را صاحب و مسلط بر منابع مادی لازم جهت برنامه ریزی اقتصادی خواهد کرد . بانک واحد دولتی می باید شرایطی بمراتب مناسب تر از بانکهای خصوصی برای ودیعه گذاران کوچک ایجاد کند و اعتبار آسان با بهره کم برای کشاورزان ، کسبه و بازرگانان خرده پا فراهم سازد .

۲- بانک ها ، شرکت های بیمه ، صنایع عمده و مهمترین بخش های تجارت بطور جدایی ناپذیری درهم مزوج شده اند . باید همراه با ملی شدن بانک ها ، تمام صنایع عمده ، شرکت های بیمه بخش های تعیین کننده تجارت در انحصار دولت در آید تا بتوان فعالیت های اقتصادی جامعه را بطور جدی

در جهت رفع نیازهای مردم تنظیم کرد. این اقدام به هیچ وجه به معنای مصادره اموال روستائیان، واحد های تجاری کوچک و پیشه وران نیست. برعکس با سلب مالکیت از سرمایه داران بزرگ وضع دهقانان خرده مالک و واحد های کوچک تولیدی، و تجاری بمراتب بهتر خواهد شد.

۳- سراسر تجارت خارجی باید در انحصار دولت قرار گیرد تا سرمایه داران دیگر نتوانند صادرات و واردات را مطابق امیال سودجویانه خود و بدون توجه به منافع مصرف کنندگان تنظیم کنند. با دخالت مستقیم و برنامه ریزی شده دولت در تجارت خارجی می توان از اثرات مخرب بازار جهانی و نفوذ امپریالیسم بر تولید داخلی به نفع توده مردم جلوگیری کرد.

۴- باید تمامی دارایی سرمایه داران و ثروتمندان غارتگری که میلیاردها تومان ثروت مردم فقیر کشور را خارج کرده اند و می کنند و کلیه شرکت ها و مالکیت های امپریالیستی مصادره و تبدیل به دارایی ملی مردم شود. بهیچ یک از بانکداران و سرمایه داران داخلی و خارجی که دارایی های شان ملی می شود نباید غرامت پرداخت شود. آنان برای سالهای سال خون مردم ایران را مکیدند و در ازای آن فقط زندگی نکبت بار و هرج و مرج اقتصادی بجا گذاشته اند. برای میلیاردها دلار وام بانک ها و شرکت های امپریالیستی حتی یک دینار هم نباید بعنوان سود و اصل سرمایه پرداخت کرد. بانک های امپریالیست وام هایی را که به شاه سابق دادند، باید بروند از خود او پس بگیرند. ما نباید بابت چپاول سلطنت که دست نشاند خود همین قدرتهای امپریالیستی بود، دیناری غرامت متحمل شویم.

اتحاد کارگران و دهقانان

دهقانان بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند. تنها راه رهایی از یوغ امپریالیسم و سرمایه داران انگل و حذت کارگران و دهقانان است. برنامه عمل کارگران برای رفع بحران کنونی کشور باید به نیازهای توده های وسیع روستایی نیز پاسخ دهد. کارگران ایران باید بطور پیگیر از مبارزات روستائیان فقیر و ستمدیده ما علیه زمینداران و سرمایه داران گردن کلفت دفاع و پشتیبانی کنند.

۱- زمین های تمام مالکین بزرگ و مالکین غایب باید بدون پرداخت غرامت به تصرف دهقانان درآید. اداره این زمین ها باید به شوراهای دموکراتیک دهقانان واگذار گردد. در هر منطقه بزرگترین حد مالکیت توسط شورا های

دهقانان تعیین خواهد شد .

۲- تمام بدیهی‌های دهقانان به دولت ، نزول خواران و زمینداران بزرگ باید فوراً لغو گردد . دولت باید شرایط سهل اعطای اعتبارات و قرض‌های بدون بهره به دهقانان را فراهم سازد . برنامه کمک‌های دولتی باید به نحوی تنظیم گردد که دهقانان به تشکیل تعاونی‌های تولیدی تحت کنترل شورا‌های دهقانی تشویق و ترغیب گردند .

۳- تمام شرکت‌های بزرگ کشت و صنعت باید ملی شود و تحت کنترل کارگران کشاورز قرار گیرد . کلیه حقوق کارگران صنعتی باید به کارگران کشاورزی نیز تعمیم داده شود .

۴- اداره امور کلیه شرکت‌های تعاونی روستایی و شرکت‌های سهامی زراعی موجود باید به خود دهقانان واگذار شود . در این شرکت‌ها هیچ‌کسی نباید بر اساس مقدار زمین امتیاز ویژه‌ای داشته باشد . کلیه دهقانانی که خواستار خروج از شرکت‌های سهامی زراعی هستند باید بتوانند زمین خود را پس بگیرند . دهقانان حق دارند که مالکان غیر خود کار را از این شرکت‌ها اخراج کنند .

۵- کشاورز خرده‌پا تا زمانی که خود ممکن یا لازم تشخیص می‌دهد مالک قطعه زمین خود خواهد بود و هیچ برنامه‌ای نمی‌تواند و نباید امکان سلب مالکیت و یا اشتراکی‌سازی اجباری را ایجاد سازد .

۶- اسکان دادن اجباری ایل‌نشینان باید متوقف گردد . کنترل مناطقی ایل‌نشینان باید بدست خود آنها سپرده شود .

۷- همراه با اجرای برنامه عمومی کارهای عام المنفعه در مناطقی روستایی جهت تأمین بهداشت و تحصیل رایگان ، دولت باید برنامه وسیعی برای توسعه آبیاری مصنوعی و توسعه شبکه برق سراسری را طرح و اجرا کند تا آب و برق کافی در اختیار کشاورزان قرار گیرد . تکنیک‌های پیشرفته تولیدی و ماشین‌آلات لازم کشاورزی باید از طریق موسسات غیر انتفاعی دولتی با شرایط آسان در دسترس کشاورزان گذاشته شود و خدمات بازاریابی رایگان برای آنها ایجاد گردد .

آزادی ملیت‌های ستمدیده

اکثریت جامعه ایران از ملیت‌های غیر فارس تشکیل یافته است . اینسب ملیت‌ها از ستمدیده‌ترین بخش‌های جامعه هستند . یکی از ارکان مهم

استبداد سلطنتی سرکوب‌کننده حقوق ملیت‌های غیر فارس بود. امپریالیسم برای ایجاد یک دولت نیرومند وابسته بخود، با تکیه به بزرگترین ملیت ایران یعنی فارس‌ها و از طریق ایجاد دستگاه دولتی متمرکزی که بر اساس سرکوب ملیت‌های دیگر استوار بود، سلطه خود را در ایران عمیق‌تر ساخت. این ملیت‌ها حتی حق ابتدایی استفاده از زبان مادری و فرهنگ سنتی خود را نداشتند. برنامه‌های دولت شاهنشاهی همواره به نحوی بوده است که مناطق ملیت‌های ستمدیده عقب‌افتاده و فقیرزده بماند.

بعلاوه اغلب این خلق‌های محروم و مظلوم در بین کشورهای مختلف منطقه تقسیم شده‌اند و حتی یکپارچگی ارضی و ملی خود را از دست داد‌اند. مرزهای فعلی میان کشورهای مختلف بر اساس منافع امپریالیسم تعیین شده‌اند. در رقابت‌ها و کشمکش‌های میان دول امپریالیستی در قرن اخیر، مرزبندی‌هایی که ارتباطی به منافع مردم منطقه نداشت و صرفاً با زتاب تقسیم منطقه بین دول امپریالیست بود، پدیدار شد. بدین ترتیب خلق‌هایی که در حوالی این مرزهای مصنوعی زندگی می‌کردند تجزیه شده، مثلاً آذربایجانی‌ها بین روسیه تزاری و ایران، کردها بین ایران، عراق، ترکیه، سوریه و بلوچ‌ها بین ایران، پاکستان و افغانستان تقسیم شده‌اند. بنا بر این نه تنها سلطه امپریالیسم و ایجاد دولت‌های ارتجاعی وابسته بآن ملیت‌های مذکور را تجزیه کرده و وحدت ملی آنان را سلب کرده است بلکه در داخل هر کشور نیز اجزای آن تحت شدیدترین شیوه‌های سرکوب ملی و استثمار اقتصادی قرار گرفته‌اند.

بنابراین آزادی خلق‌های ستمدیده منطقه مستلزم از میان برداشتن سلطه امپریالیسم و دولت‌های مستبد و ارتجاعی وابسته بآن است. از اینرو ارتجاع همواره در مقابل خواست‌های حقانی این خلق‌ها مقاومت کرده و از هیچ شیوه‌ای برای سرکوب آنان خودداری نکرده است. مناطق زندگی این خلق‌ها عملاً بصورت مناطق اشغال شده درآمد و ارتش مرکزی همواره آماده برای سرکوب وحشیانه هرگونه مبارزه‌رهایی بخش بوده است.

در ایران، با سرنگونی سلطنت مبارزه خلق‌های ستمدیده ایران برای آزادی از یوغ ستم ملی مجدداً اوج گرفته است. پیروزی مبارزات آنها مهمترین ضامن استقرار رژیم دموکراتیک و سرنگونی ارتجاع و امپریالیسم است. کارگران و زحمتکشان فارس همراه با حفظ وحدت کارگران و زحمتکشان سراسر ایران باید از آزادی کامل ملیت‌های ستمدیده دفاع کنند و علیه هرگونه برنامه تفرقه افکنانه سرمایه داران و امپریالیسم در صفوف خود مبارزه کنند. تنها از این طریق است که کارگران و زحمتکشان فارس می‌توانند ستمی را که تحت نامشان

علیه برادران و خواهرانشان در میان خلق های ترك ، كرد ، بلوچ ، عرب ، تركمن ، ارمنه و غیره از طرف دولت مرکزی روا شده جبران کنند و نفاقی را که دولت است ارتجاعی مسؤول آن بوده است با اتحاد خلل ناپذیر کلیه مردم زحمتکش ایران در میان همه ملیت ها از بین ببرند .

۱- تعمیل هرگونه ستم بر اساس زبان ، فرهنگ و نژاد باید ضریحا غیر قانونی اعلام گردد . دولت مرکزی باید فوراً ارتش خود را از مناطق ملیت های ستمدیده بیرون بیاورد و برنامه وسیعی برای عمران این مناطق و جبران تمام بی توجهی ها و استعمارهای گذشته به اجرا بگذارد .

۲- حق کلیه ملیت های ستمدیده ایران در تعیین سرنوشت خویش باید در قانون اساسی ایران به رسمیت شناخته شود . دولت مرکزی باید اعلام کند که خلق های ستمدیده ایران می توانند از طریق تشکیل مجلس های موسسان ملی خود تصمیم دیمکراتیک اکثریت شان را درباره سرنوشت خویش اعلام کنند . هرگونه توصیه و پیشنهاد دولت مرکزی به ملیت های ستمدیده نیز باید بهمین مجلس ها ارائه شود ، تصمیم آنها قطعی و نهایی است .

۳- احساس همبستگی عمیقی که بین ملیت های ستمدیده ایران و اجزاء دیگرشان در کشورهای همسایه وجود دارد امری است طبیعی و کاملاً مترقی . دولت ایران باید از دادن هیچ گونه کمک در راه گسترش مبارزات آزادی بخش ملیت های ستمدیده در سراسر منطقه فروگذاری نکند .

آزادی زنان

زنان ایران ، این توده عظیم که نیمی از جامعه را تشکیل می دهند ، قرن ها ستمدیده و محروم بوده اند . یکی از عوامل مهم عقب ماندگی ایران و استیلای تاریخی رژیم های مستبد و ارتجاعی ، ستم و تبعیض شدید علیه زنان بوده است . بدون آزادی زنان آزادی جامعه ممکن نخواهد بود . میزان واقعی آزادی جامعه را باید بامیزان آزادی زنان آن سنجید .

زنان ایران از قید و بند تبعیضات شدید ، علیرغم پیروزی جنبش انقلابی مردم ستمدیده ایران علیه دستگاه ظلم و استبداد شاهنشاهی ، که زنان نقش مهمی در آن داشتند ، نه تنها بدست نیامده ، بلکه به شکرانه جمهوری باصلاح اسلامی ، ستم کشیدگی زنان تشدید شده است . این لکه ننگی است بر چهره رژیم جدید که زنان ایران موقعیت خود را وخیمتر از دوران

گدشته احساس می‌کنند.

در جامعه امروزه، ریشه اصلی ستم کشیدگی زن، عوامل ظاهری اش هرچه که باشد، در نظام سرمایه داری است. سرمایه داری محض که قادر به جذب نیروی کار جامعه نیست زنان را به کنج خانه می‌راند و برای توجیه این کار به تمام کثافات کهن که زنان را موجوداتی پست تر و انود می‌سازند، دامن می‌زند. برای سرمایه داران، زنان به مثابه ارتش ذخیره کارند که به میل ایشان گاهی وارد تولید اجتماعی می‌شوند و در دیگر اوقات در چار دیواری خانه محبوس می‌مانند.

در جامعه سرمایه داری نقش اساسی زنان بیگاری خانگی است. در واقع، زنان باصطلاح "خانه دار" بردگان بدون جبر و مواجبی هستند که هر روز نیروی کار همسران کارگر خود را دوباره تولید می‌کنند تا سرمایه داری بتواند به استثمار خود ادامه دهد. نظام سرمایه داری تبعیض علیه زنان را تشدید می‌کند تا این نقش را تثبیت سازد. مضافاً اینکه با تشدید این تبعیضات میان توده زحمتکش نفاق می‌اندازد و با تجزیه نیروهای آنها به حکمفرمایی خود ادامه می‌دهد.

در مبارزه علیه استثمار سرمایه داری و ریشه کن ساختن هرگونه ظلم و محرومیت در جامعه، کارگران و زحمتکشان ایران زنان ستم دیده را از متحدین نیرومند خود خواهند یافت. دفاع از کلیه مبارزات زنان برای کسب تساوی کامل و رفع هرگونه تبعیض، دفاع از منافع تمام زحمتکشان است. کارگران و زحمتکشان ایران باید پیگیرانه و بدون قید و شرط از مبارزات زنان برای کسب حقوق زیر دفاع کنند:

۱- تساوی کامل حقوقی، سیاسی و اجتماعی برای زنان باید تامین گردد. هرگونه تبعیض علیه زنان، چه به انکاء قانون و چه به انکاء مذهب یا سنت، باید بطور صریح غیر قانونی اعلام شود. تمام حقوق دمکراتیک باید به زنان نیز تعیین داده شود و کلیه قوانین شرعی و مدنی که به نحوی مجازات های ویژه ای برای زنان در نظر گرفته اند و یا تبعیض علیه آنان قائل شده اند، ملغی گردد. زنان باید از حقوق کامل و مساوی برای شرکت در هرگونه فعالیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برخوردار باشند. این حق مسلم زنان است که محل سکونت و نوع شغل مورد علاقه شان را خود انتخاب کنند، به هر نقطه ای که میل دارند سفر کنند و هرطور که خود تشخیص می‌دهند لباس بپوشند.

۲- زنان باید حق کنترل بر بدن خود را داشته باشند . حق تصمیم‌گیری در مورد بارداری و یا خاتمه دادن به بارداری منحصر به خود زنان تعلق دارد . تمام محدودیت‌هایی که برای سقط جنین و یا جلوگیری از بارداری وجود دارد باید لغوگردند . زنان باید بتوانند در صورت تمایل از امکان سقط جنین بطور رایگان برخوردار باشند . دولت باید مراکز تعلیم شیوه‌های بی‌خطر و سالم برای جلوگیری از بارداری را در مدارس ، محلات ، کارخانه‌ها و بیمارستانها دایر کند و اطلاعات و وسایل لازم را در اختیار کلیه زنان قرار دهد .

۳- کلیه قوانین ارتجاعی مربوط به خانواده که به نحوی علیه زنان تبعیض و تحقیر قایل می‌شوند ، باید لغو شوند . ازدواج امری است داوطلبانه که با یک ثبت مدنی رسمیت می‌یابد . به کلیه ازدواج‌های اجباری و خرید و فروش زنان ، تحت عنوان ازدواج ، باید خاتمه داده شود . کلیه قوانینی که مجازاتهای قانونی ، آزار جسمانی و حتی قتل همسران ، خواهان و یادختران را با خطر اصطلاح " هتک ناموس " مردان موجه جلوه می‌دهند ، باید لغو شوند . حق طلاق فوری و بدون قید و شرط باید بطور مساوی برای زوجین وجود داشته باشد . دولت باید وسایل رفاه اجتماعی و امکانات تعلیمات حرفه‌ای را برای زنان مطلقه یا بیوه فراهم سازد . مفهوم " فرزند نامشروع " باید ملغی شود و هر گونه تبعیض علیه مادران ازدواج نکرده پایان یابد . کلیه قوانینی که معیارهلی دگانه را برای مردان و زنان در امور جنسی تقویت می‌کنند ، باید لغوگردند .

۴- استقلال کامل اقتصادی برای زنان باید وجود داشته باشد . زنان باید برای کار مساوی دستمزد مساوی دریافت کنند . هیچگونه تبعیضی نباید علیه زنان در هر صنف ، حرفه ، شغل ، کارآموزی و یا برنامه‌های آموزشی صورت بگیرد . باید به زنان در زمینه‌های استخدام ، کارآموزی و ارتقاء رتبه الویست داده شود تا اثرات ناشی از سالها تبعیض جبران گردد . کلیه زنانی که بدلالی ناچار به خانه داری هستند باید از نظر مالی مستقل باشند . بدین منظور دولت باید قوانین لازم را وضع و منابع مالی لازم را تامین کند . کلیه زنانی که مایل به اشتغال هستند اما کار پیدا نمی‌کنند باید بیمه بیکاری دریافت کنند . باید به زنان در دوران بارداری و زایمان مرخصی با حقوق بدون از دست دادن شغل و یا سابقه خدمت داده شود . امکان مرخصی با حقوق برای نگهداری از نوزاد باید در صورت تمایل برای پدر نیز فراهم باشد .

مرخصی با حقوق جهت مراقبت از کودکان بیمار باید بطور مساوی در اختیار مردان و زنان گذاشته شود.

۵- امکانات آموزشی باید بطور مساوی برای زنان و مردان فراهم شود. حق پذیرش رایگان و آزاد برای تمام زنان در کلیه مؤسسات آموزشی و برنامه های تعلیمات عالی، منجمله برنامه های کارآموزی، باید به رسمیت شناخته شود. برنامه های ویژه ای برای پذیرش ترجیحی زنان باید ایجاد شود تا آنها به ورود در رشته هایی که بطور سنتی تحت سلطه مردان بوده و نیز آموختن فنون و تخصصاتی که در گذشته حق ورود به آنها از زنان سلب شده بود، تشویق گردند. به هرگونه فشار روی زنان جهت آماده ساختن خود برای "کارهای زنانه" از قبیل خانه داری، منشی گری، پرستاری و غیره باید خاتمه داده شود. به تصویر رایجی که از زنان در کتب درسی و رسانه های گروهی به عنوان موجوداتی نادان، ضعیف، احساساتی و وابسته به دیگران ترسیم می گردد باید خاتمه داده شود. در تمام مؤسسات آموزشی باید واحدهای درسی بمنظور آموختن تاریخ واقعی مبارزات زنان علیه سنتی که متحمل می شوند، ایجاد گردد. باید رشته های ویژه تعلیمات ورزشی برای زنان ایجاد شود تا قدرت جسمانی خود را پرورش دهند و به استعداد های خود افتخار کنند. هرگونه اخراج محصلین و دانشجویان باردار یا مادران ازدواج نکرده باید ملغی شود. باید از هرگونه جدا ساختن اجباری زنان در اماکن و مدارس و مؤسسات ویژه جلوگیری شود.

۶- جامعه باید از نو سازمان یابد تا بردگی خانگی زنان پایان یابد. در تمام محلات باید مهد های کودک، مراکز نگهداری از اطفال و کانه های جوانان بطور رایگان و ۲۴ ساعته به خرج دولت ایجاد شود. اینگونه اماکن باید بروی همه کودکان از طفل نوزاد گرفته تا نوجوانان و صرف نظر از درآمد والدین یا موقعیت زناشویی آنان باز باشد. پرسنل تعلیم دیده مرد و زن لازم برای این مؤسسات باید بخرچ دولت فراهم شود. اداره کلیه امور مربوط به این مؤسسات باید به دست کسانی که در آنها کار می کنند و از آنها استفاده می کنند سپرده شود. امکانات خدمات اجتماعی ارزان و با کیفیت عالی از قبیل چاپخانه ها، رستوران ها، لباس شویی ها و غیره باید فراهم شود تا فشار کار خانگی از روی زنان برداشته شود. خدمات پزشکی رایگان و مهد های کودک ویژه برای نگهداری اطفال بیمار باید فراهم گردد.

نبرد برای دموکراسی

جوهر تمام تاریخ معاصر کشور ما را مبارزه برای آزادی از قید هرگونه ظلم و ستم و استقرار رژیم دیمکراتیک تشکیل می‌دهد. با سرنگونی دستگاه استبداد پهلوی، مردم ایران ساعت پیروزی این مبارزه را نزدیک می‌دیدند. اما اکنون روشن است که بدون مبارزه‌ای قاطع، بدون داشتن اهدافی مشخص و بدون ایجاد تشکیلاتی نیرومند، این پیروزی بدست نخواهد آمد. نقش اساسی در این مبارزه به دوش کارگران و زحمتکشان ایران است. طبقه کارگر ایران که با مبارزه سرسختانه خود علیه سلطنت پهلوی موثرترین ضربه را به این دستگاه استبدادی وارد کرد اینک نیز باید برای دسترسی به پیروزی نهایی در نبرد برای دموکراسی رهبری آن را در دست بگیرد، چشم کلیه ستمدیدگان ایران متوجه کارگران قهرمان ایران است. با شرکت کارگران و زحمتکشان در مبارزه برای استقرار دموکراسی و دفاع از حقوق کلیه ستمدیدگان، پیروزی انقلاب ایران تضمین خواهد شد.

۱- آزادی‌های سیاسی و مدنی باید تامین گردند. لغو کامل سانسور، آزادی کامل و بدون قید و شرط بیان، اندیشه و تشکل، آزادی تظاهرات و جمعاعات، آزادی همه احزاب سیاسی، آزادی و حقوق مساوی برای همه مذاهب و آزادی سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری، همه از ابتدایی‌ترین حقوق دیمکراتیک مردم ما هستند. رژیم استبدادی همواره از تحقق یافتن این خواست‌ها جلوگیری کرده است و به طرق مختلف این حقوق ابتدایی را پامال کرده است. اما علیرغم پیروزی جنیش ضد استبدادی این حقوق تامین و تضمین نگشته‌اند و مبارزه برای کسب آنان هنوز اساسی‌ترین مبارزه مردم ایران را تشکیل می‌دهد.

۲- در جمهوری دیمکراتیک مذهب و دولت باید از هم جدا شوند. بدون جدایی مذهب از دولت استقرار رژیم دیمکراتیک غیر ممکن خواهد بود. مذهب امریست کاملاً خصوصی و آزادی کامل و بدون قید و شرط مذهب و عقاید باید برای همه افراد جامعه تامین گردد. از این رو، کلیه ادیان و مذاهب باید از نظر سازمانی، مالی و قانونی کاملاً از دولت جدا باشند. قوانین یک جامعه دیمکراتیک نمی‌تواند به قوانین و سنن یک مذهب خاص (حتی مذهب اکثریت جامعه) متکی باشد، بخشی از بودجه اجتماعی یک کشور نمی‌تواند به

يك مذهب خاص اختصاص داده شود و جامعه نمی‌تواند برای سلسله مراتب يك مذهب خاص حقوق سیاسی و اجتماعی ویژه‌ای قایل شود. در رژیم کنونی نه تنها کلیه این اصول ابتدایی دموکراسی نقض شده‌اند بلکه، عملاً حاکمیت سیاسی از مردم سلب شده و به قشر بالای روحانیت شیعه داده شده است.

۳- کلیه مناهب و مشاغل حساس حکومتی باید انتخابی باشند. مردم ایران برای سرنگونی سلطنت و استقرار رژیم جمهوری مبارزه کردند. جمهوری صرفاً به معنای تعویض شاه با رئیس جمهور نیست. جمهوری یعنی انتخابی بودن کلیه مناهب و مشاغل حساس حکومتی. از فرمانده کل قوا گرفته تا قضات عالی کشور همه باید انتخابی باشند. مردم باید بتوانند، در انتخاب تمام مامورین مهم حکومتی مستقیماً شرکت کنند و بر کار آنها نظارت کنند. هیچ يك از مامورین حکومتی نباید حقوقی بیشتر از حقوق متوسط کارگران داشته باشند. انتخاب کنندگان باید این حق را داشته باشند که در هر زمان بتوانند مامورین منتخب خود را برکنار کنند.

۴- تمامی دستگاه‌های خفقان‌زا و سرکوبگر باید منحل گردند. از هرگونه بازسازی دستگاه‌های سرکوبگر و ضد مردمی رژیم گذشته، تحت هر عنوان باید جلوگیری شود. بازسازی ساواک، پلیس و ژاندارمری بزرگترین سد در مقابل استقرار دموکراسی در ایران است. لیست کامل اعضای ساواک باید منتشر گردد و کلیه پرونده‌هایی که توسط ساواک در باره مبارزین و انقلابیون تهیه شده‌اید نابود شوند. وظایف حفظ نظم در شهرها و روستاها باید بعهده گروه‌های مسلح مردم که تحت نظارت شوراهای شهر و ده هستند، گذاشته شوند. خفقان در ارتش باید خاتمه یابد. لغو سلسله مراتب قرون وسطایی ارتشی و برقراری آزادی در سراسر ارتش تنها راه تضمین پیروزی انقلاب است. سربازان باید از حقوق سیاسی و مدنی کامل برخوردار شوند و حق شرکت در کلیه احزاب سیاسی را داشته باشند. رهبران و فرماندهان ارتش باید توسط کمیته‌های سربازان انتخاب شوند.

هرگونه دستجات ویژه‌ای از افراد مسلح که تحت کنترل مستقیم مردم نیستند باید منحل شوند. افراد مسلح باید تحت کنترل و نظارت شوراهای شهر، ده، محلات و کارخانجات قرار گیرند. کمیته‌های محلات که در دوران قبل از قیام بهمن ماه در اغلب شهرهای ایران تشکیل شدند کمیته‌های مبارزه بودند. امروزه، با مداخلات بورکراتیک

هیات حاکم، این کمیته‌ها از مردم جدا شده و به زائد‌های دولت تبدیل گشته‌اند. این گونه کمیته‌ها باید منحل گردند و بجای آنها کمیته‌های واقعی و دیمکراتیک محلات ایجاد شوند.

تمامی دادگاه‌های نظامی و مذهبی ویژه باید لغو شوند. برای مجاکمه همه جرایم باید هیات منصفه متشکل از مردم عادی حضور داشته باشد. قضاات عالی‌رتبه باید همگی منتخب مردم باشند.

همبستگی بین المللی علیه امپریالیسم

مبارزه علیه امپریالیسم جهانی در قیاسی جهانی به پیروزی خواهد رسید. همانطور که در ایران مبارزه‌ای سرسختانه برای زهایی از یوغ اسارت امپریالیسم آغاز شده است، در گوشه و کنار جهان نیز ملل تحت سلطه بپاخاسته‌اند و برای استقلال خود می‌جنگند. همبستگی بین این مبارزات و کمک متقابل آنها به یکدیگر ضربه قاطعی بر پیکر امپریالیسم وارد خواهد کرد و اجازه نخواهد داد که امپریالیسم جهانی و رهبر سیاسی - نظامی آن امپریالیسم امریکا بتواند این مبارزات را بصورت منفرد و منزوی تحت تهدید و حمله قراز دهد. همبستگی بین المللی علیه امپریالیسم گام بزرگی در راه خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم جهانی و پیروزی نهایی بر آن است.

مبارزات عظیم ضد استبدادی و ضد امپریالیستی مردم ستمدیده ایران، توده‌های محروم و تحت سلطه را در سراسر جهان تحت تاثیر خود درآورد است. مردم ایران با اعمال قاطعیت و پیگیری هر چه بیشتر در مبارزات ضد امپریالیستی و پایشقدم شدن در امر ایجاد جبهه همبستگی بین المللی در مقابل امپریالیسم جهانی راه را به کلیه ستمدیدگان و محرومین جهان نشان خواهند داد. مبارزات سرسختانه مردم ایران علیه امپریالیسم امریکا و احساسات عمیق همبستگی آنان با مردم فلسطین، بیاهان افریقای جنوبی، مردم ستمدیده زیمبابوه و کلیه مردم محرومی که در جهان علیه سیادت اسارت بار امپریالیسم مابون می‌کنند حاکی از نقش مهمی است که ایران در ایجاد جبهه همبستگی بین المللی علیه امپریالیسم ایفا خواهد کرد.

دولت ایران باید به این خواست مردم ایران و کلیه ستمدیدگان جهان پاسخ دهد و در تحقق دادن به همبستگی بین المللی علیه امپریالیسم اقدامات لازم را اتخاذ کند.

ایران باید با لغو کلیه قراردادهای نظامی، سیاسی و اقتصادی

با قدرت های امپریالیستی و افشای محتوی اسارت بار این قراردادها در مقابل
اینظار جهانیان ، خاتمه یافتن دوران سلطه امپریالیسم بر ملل ستمدیده جهان
را نشانه زند .

۲- ایران باید با اعلام لغو دیپلماسی سری ، مذاکرات پشت پرده و
قراردادهای مخفیانه راه را به کلیه کشورهای تحت سلطه نشان دهد و از مردم
ستمدیده جهان بخواهد تا دولت های خود را که پشت سر منافع توده ها با
امپریالیسم مذاکره می کنند تحت فشار بگذارند و از آنها نیز پایان دادن به
دیپلماسی مخفی را طلب کنند .

۳- در کلیه مراجع بین المللی نظیر سازمان ملل متحد که بدل به ابزار
توطئه های تجاوزگرانه امپریالیسم شده اند ، باید افشای گری وسیعی علیه
امپریالیسم آغاز شود و از نفوذ و تاثیر این مراجع بعنوان ابزار دخالت امپریالیسم
جلوگیری گردد .

۴- دولت ایران باید آمادگی خود را برای دادن هرگونه کمک مادی و
معنوی و نظامی و سیاسی به کلیه مبارزات ضد امپریالیستی و رهایی بخش در
سراسر جهان اعلام کند .

سازماندهی مبارزه

کارگران و زحمتکشان ایران تنها از طریق مبارزه مستقل ، با اتکاء به سیاست
مستقل و بوسیله سازمان های مستقل خود خواهند توانست به حقوق حقه خود
دست یابند . بدین منظور توده زحمتکش باید خود را متشکل کند و سازمان
دهد . تنها تکیه گاه انقلاب ایران جنبش متشکل توده های مستقل زحمتکشان
است . زحمتکشان ایران نباید قدرت تصمیم گیری پیرامون سرنوشت خویش را به
این یا آن نیروی برتر ، به این یا آن سیاستمدار یا رهبر تسلیم کنند .

انقلاب دخالت توده ها است در سیر حوادث تاریخی و تجربه کنونی
انقلاب نشان می دهد که پیروزی تنها با مبارزه مستقل توده ها و سازماندهی
مستقل این مبارزه تضمین خواهد شد . خواست های برحق زحمتکشان تنها در
صورتی تحقق خواهد پذیرفت که سازمانهای مستقلی بوجود آید که از طریق آنان
توده وسیع بطور دمکراتیک در مورد عمل و اقدامی که باید انجام شود تصمیم
بگیرد و مبارزه خود را سازمان دهد .

۱- اتحادیه های کارگری : اکنون ، کارگران در مبارزه برای خواسته های

خود و علیه سیاست جنایتکارانه سرمایه داران، بیش از هر زمان دیگر احتیاج به سازمان های توده‌ای، بویژه اتحادیه‌های کارگری دارند. اتحادیه‌هایی که ابزار مبارزه کارگران باشند نه ابزار سازش با سرمایه داران. اتحادیه‌هایی که بدون در نظر گرفتن عقاید سیاسی و مذهبی، ملیت، نژاد و جنس، کلیه کارگران را برای مبارزه متحد سازمان دهند. اتحادیه‌هایی که نه بطور فرمایشی و از بالا، بلکه توسط خود کارگران و در بطن مبارزه ساخته شده باشند. مبارزه در راه احقاق حقوق زحمتکشان جدا از مبارزه در راه تشکیل چنین اتحادیه‌های توده‌ای و دمکراتیک نیست.

۲- کمیته‌های عمل: اتحادیه‌های کارگری تأمدت درازی نخواهند توانست اکثریت عظیم زحمتکشان را در برگیرند. اما توده عظیم بهر حال برای پیشبرد مبارزه خود نیازمند کمیته‌های عمل است. لازم است که در تمام کارخانه ها، ادارات و غیره، کمیته‌های عمل، نظیر کمیته‌های کارخانه و کمیته‌های اعتصاب که در دوران پیش از قیام ایجاد شده بود، بوجود آید. کمیته‌هایی که همه توده مبارز را در برگیرد، کمیته‌هایی که بطور دمکراتیک بوسیله خودکارگران انتخاب شد و به آنها مسئول باشند، کمیته‌هایی که در برابر اراده مدبریت کارخانه و زنه مقابل اراده زحمتکشان را ایجاد سازند. بدون تشکیل چنین کمیته‌هایی اعمال کنترل کارگری بر تولید غیر ممکن خواهد بود.

کمیته‌ها و شوراهایی که خصوصیات فوق را واجد باشند در پاره‌ای کارخانه ها و واحدهای تولیدی ایجاد شده‌اند. اما بسیاری از باصلاح شوراهای اسلامی که در اغلب موسسات تأسیس شده‌اند در واقع وسیله‌ای برای حذف نیروهای مبارز هستند. این شوراها بطور دمکراتیک انتخاب نشده‌اند و بر اساس مذهب و عقیده بخشی از زحمتکشان را حذف کرده‌اند. مضافاً اینکه این شوراها غالباً متکی به هیچگونه برنامه عمل نیستند. کمیته عمل باید متکی بر برنامه‌ای روشن و صریح برای تحقق دادن به خواست‌های کارگران باشد. و کارگران باید بتوانند از طریق جمعیت توده‌ای بطور دائم بر این برنامه نظارت کنند و تغییرات و اصلاحات لازم را در آن ایجاد کنند.

در جایی که اتحادیه کارگری وجود دارد، ارگانهای این اتحادیه در سطح هر واحد تولیدی می‌باید همین کمیته‌ها باشند. و در جایی که اتحادیه کارگری ایجاد نشده است، این کمیته‌های دمکراتیک و توده‌ای موثرترین ابزار برای ساختن اتحادیه خواهند بود.

اتحاد شوراهای کارخانه‌ها و ادارات (کمیته‌های محل) در سطح

سراسری و مبارزه در راه تشکیل شورای متحده کارگران و کارمندان گام مهمی در راه ایجاد سازمان مستقل و سراسری زحمتکشان ایران است. زحمتکشان ایران باید در برابر اراده سرمایه داران و زنه مقابل اراده خود را در سطح سراسری نهض ایجاد کنند.

۳- شوراها: کارگران و زحمتکشان ایران نمی‌توانند دست‌روی دست بگذارند و سرنوشت خویش را یکسره بدست حکومتی بسپارند که حافظ و حامی منافع سرمایه داران و ثروتمندان است. اعتصابات انقلابی در دوران قیام به روشنی نشان داد که چرخ‌های جامعه از باین و بدست زحمتکشان می‌گردد. بنابراین، برخلاف تبلیغات سخنگویان طبقات حاکم، این کاملاً طبیعی است که کارگران و زحمتکشان در تعیین سرنوشت جامعه نیز نقش اساسی را ایفاء کنند.

لازم است که در مقابل قدرت متمرکز سرمایه داران و زمینداران، توده مجرم، کارگران، روستاییان فقیر و سربازان قدرت متشکل خود را سازمان دهند تا بتوانند مبارزات خود را هماهنگ کرده، مستقیماً تصمیماتی را که به نفع خودشان هست اجرا نمایند. چنین کاری تنها از طریق اتحاد وسیع زحمتکشان در سازمان‌های مستقل توده‌ای، یعنی شوراها، امکان پذیر است. شوراها در هر شهر و هر روستا می‌توانند و باید از طریق انتخاب نمایندگان کارگران و زحمتکشان بوجود آیند و بر کلیه امور منطقه خود نظارت کنند. در هر منطقه این شوراها باید از طریق وحدت کمیته‌های کارخانه (شوراهای کارخانه)، کمیته‌های تهیدستان، کمیته‌های سربازان، کمیته‌های بیکاران و نمایندگان کلیه زحمتکشان ایجاد گردند.

شوراها نباید محدود به یک برنامه از پیش طرح شده جزئی باشند. آنها باید درهای خود را برای همه استوارشدگان بازکنند. باید تمام گرایشها سیاسی بتوانند براساس گسترده‌ترین حد دمکراسی برنامه و پیشنهادات خود را در شوراها به بحث گذاشته و نمایندگان بتوانند آزادانه در مورد مطلوب‌ترین شیوه‌ها تصمیم‌گیری کنند.

۴- ایجاد گروههای دفاع: برای دفاع از اتحاد انقلابی کارگران و دهقانان در برابر حملات سرمایه داران و امپریالیسم، برای دفاع از زحمتکشان در برابر دسته‌های مسلح اعتصاب شکن و چاقوکشان خصوصی سرمایه داران، باید توده‌های مستعده مسلح شوند. لازم است که در هر کجا که امکان پذیر است

گروه‌های دفاع از خود تشکیل شود .

نیروهای نظامی کارگران و زحمتکشان تنها ضامن جدی مصونیت سازمانها، جلسات و مطبوعات کارگران از حملات دارو دسته‌های گانگستر و فاشیست است .

تنها با کمک چنین فعالیت سازمان یافته ، مداوم و شجاعانه که پیوسته متکی بر تجربه خود توده‌ها باشد ، می‌توان سنت‌های بردگی و بی‌ارادگی ناشی از سلطه سرمایه داری و امپریالیسم را از ذهن زحمتکشان ریشه کن ساخت .

این کمیته‌های دفاع از خود می‌باید در سطح واحدها مسوول به کمیته - های عمل و شوراهای واحدها و در سطح شهر و روستا مسوول به شوراهای شهر و روستا باشند .

تشکیل مجلس موسسان دموکراتیک و انقلابی

هیچ حکومت از بالا تعیین شده‌ای به ایران آزادی نخواهد آورد . تجربه دوران بعد از قیام بوضوح این نکته را اثبات کرده است . هیات حاکم تصور می‌کند که این وظیفه توده‌های ستمدیده است که از حکومت‌های دست‌چین‌شده از بالا حمایت کنند . در حالیکه ، نیاز مبرم انقلاب ما بوجود آوردن حکومتی است که از منافع و مبارزات مردم حمایت کند .

تجربه مجلس "خبرگان" و قانون اساسی آن نشان می‌دهد که مردم ستمدیده برای کسب خواست‌های خود ، برای ایجاد حکومتی که مدافع آنان باشد ، نمی‌توانند و نباید به انتظار این و یا آن قشر حاکم بنشینند . دست روی دست گذاشتن به همان دوران استبداد می‌انجامد . تنها راه استقرار حاکمیت واقعی مردم ستمدیده ایران تشکیل مجلس واحدی است که منعکس کننده اراده واقعی مردم و متکی به سازمان‌های توده‌ای آنان باشد . مجلسی که بطور دموکراتیک انتخاب شود و قادر به اجرای اهداف انقلابی توده‌های ستمدیده و زحمتکش باشد .

کارگران ، دهقانان ، سربازان و توده‌های وسیع مردم ستمدیده و زحمتکش نباید برای برقراری چنین مجلسی در انتظار بنشینند . آنها باید از طریق سازمانهای مبارزه خود ، از طریق شوراهای سراسری ، شوراهای کارخانجات ، کمیته‌های محلات و اتحادیه‌های زحمتکشان ، و بوسیله اتخاذ این شعار مرکزی، مبارزه برای تشکیل مجلس موسسان واقعی و استقرار حکومتی نوین که شرایط را برای کسب کلیه حقوق مدنی ، اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی ستمدیدگان تحکیم می‌کند ، آغاز کنند .

کارگران و زحمتکشان ایران خواهان تشکیل فوری چنین مجلس موسساتی هستند. کارگران و زحمتکشان، برخلاف سرمایه داران و زمینداران و سخنگویان آنان، از اعلام خواست هایشان در مقابل يك تریبون سراسری و همه ندارند. آنان می دانند که برنامه عمل زحمتکشان برای پیشبرد انقلاب ایران و راهی جامعه از فلاکت بحرانی که هیات حاکم تحصیل کرده است، از پشتیبانی کلیه ستمدیدگان ایران برخوردار خواهد شد.

کارگران و زحمتکشان ایران مدافع مجلس موسساتی هستند که به منظور دمکراتیک، با نظارت مستقیم خود مردم بر انتخابات، و با شرکت آزادانه تمام نیروهای سیاسی جامعه تشکیل شده باشد. مجلس موسساتی که بتواند در دربار کلیه مسائل، منجمله تعیین حکومت بحث و تصمیم گیری کند و هیچ نیرویی را مافوق خود برسمیت نشناسد.

استقرار حکومت کارگران و دهقانان

در شرایط مبارزه افشار و طبقات زحمتکش و ستمدیده ایران برای احقاق حقوق خود، در شرایط استحکام و تضمین دمکراسی، دیگر زمان فرمانبرداری از انگل های سودجو و طمع کاری که حاکمیت خود را بر مردم کارگر و زحمتکش تحمیل می کنند، بسر رسیده است. اقلیت دارا، سرمایه داران و ملاکین و دلان امپریالیسم سرسختانه در مقابل خواست های بحق توده ستمدیده مقاومت خواهند کرد. باید بجای حکومت این اقلیت، حکومت اکثریت، یعنی حکومت کارگران و دهقانان، حکومت زحمتکشان شهر و روستا برقرار گردد.

تا زمانی که حکومت در دست سرمایه داران، زمینداران، شرکای امپریالیسم و مدافعین آنان باقی مانده باشد، هیچ يك از خواست های ستمدیدگان جامعه عمل نخواهد پوشید. حتی اگر، تحت فشار مبارزات توده ها، برخی از این خواست ها تحقق یابد، تضمینی برای حفظ و استحکام آن نخواهد بود. تا زمانی که دستگاه حکومتی این اقلیت ستمگر و استثمارگر منهدم نگشته است، ملی کردن بانکها، صنایع عمده و بخش های اساسی تجارت بهبودی در وضع زحمتکشان ایجاد نخواهد کرد. تا زمانیکه حکومت هنوز به صورت ماموران سرمایه باقی مانده است، ملی کردن ها نیز در خدمت سرمایه داری باقی خواهد ماند. دولتی کردن رئوس اقتصاد جامعه تنها موقعی نتایج مناسب ببار خواهد آورد که قدرت دولت خود یکسره از دست استثمارگران درآید و در اختیار زحمتکشان قرار گیرد.

کارگران و زحمتکشان ایران از تمام احزاب ، سازمان‌ها و نیروهای سیاسی جامعه که خود را مدافع آنان می‌دانند ، می‌خواهند که از جسد نیمه جان سرمایه داران و زمینداران ورشکسته ایران که هنوز پس از سرنگونی سلطنت نفس می‌کشد بپرند و در جاده مبارزه برای ایجاد حکومت کارگران و کشاورزان گام بردارند ، آنان از کسانی که خود را متکی بر زحمتکشان می‌سازند و بنام آنان سخن می‌گویند دعوت می‌کنند که از سرمایه داران بپزند و با انکاء بر سازمان‌های توده‌ای کارگران ، دهقانان و کلیه زحمتکشان ، حکومت کارگران و دهقانان را برقرار سازند .

انتشارات حزب کارگران سوسیالیست

قیمت ۱۰ ریال

www.hks-iran.com